

نشریه ادب و زبان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۱۶، شماره ۳۴، پاییز و زمستان ۹۲

آسیب‌شناسی ارجاعات در تحقیقات ادبی

(علمی - پژوهشی)*

دکتر رحیم کوشش

استادیار دانشگاه ارومیه

چکیده

امروزه در تحقیقات علمی گوناگون، از جمله در پژوهش‌های ادبی، ارجاع از اهمیت خاصی برخوردار است و از ضروریات شمرده می‌شود. با وجود آنکه از پیدایی، شکل‌گیری و رواج تحقیقات ادبی به شیوه جدید و تألیف کتاب‌ها و مقالات گوناگون در این زمینه زمان زیادی گذشته و اصول و ضوابط این امر تا اندازه‌ای معین شده است و اغلب مجلات علمی، بخصوص مجلات علمی - پژوهشی، در این مورد شیوه‌نامه‌های خاصی تنظیم و ارائه نموده‌اند و بر لزوم رعایت آنها تأکید می‌ورزند، هنوز هم کاستی‌ها، آشفتگی‌ها و عدم یک‌دستی‌های بسیاری در آن دیده می‌شود. برخی از این اشکالات، به همین شیوه‌نامه‌ها مربوط می‌شوند و برخی دیگر، نتیجه اهمال‌ها و بی‌دقتی‌ها و سهل‌انگاری‌های مؤلفان این گونه مقالات است. نگارنده در این مقاله، تلاش نموده است تا با توجه به مقالات علمی گوناگونی که در این بخش از مجلات، بخصوص مجلات علمی - پژوهشی به چاپ رسیده است و با گردآوری نمونه‌های گوناگونی از این قبیل ارجاعات و طبقه‌بندی آنها، این گونه اشکالات را مشخص و در هر مورد، شیوه مناسبی برای اصلاح و بهبود آن ارائه نماید؛ با این امید که در نهایت بتواند در جهت علمی‌تر و اصولی‌تر شدن شیوه تألیف مقالات علمی مربوط به زبان و ادبیات فارسی، گامی بردارد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، زبان، ارجاع، پانویس، پی‌نوشت، درون‌نوشت.

۱ - مقدمه

آنچه در یک مقاله علمی می‌بینیم، یا حاصل اندیشه‌ها و یافته‌های خود مؤلف است یا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از گفته‌ها و نوشته‌های دیگران نقل می‌شود. در حالتی که مطلبی از گفته‌ها یا نوشته‌های دیگران نقل می‌شود، اخلاق علمی اقتضا می‌کند که به درستی به منبع آن اشاره شود. این امر سبب می‌شود که خوانندگان بتوانند با سرعت و به سهولت اصل منبع را بشناسند و در صورت نیاز به آن مراجعه نمایند. در رشته‌های علمی گوناگون، امر ارجاع و مستندسازی مطالب، بسته به سلیقه نویسندگان و ناشران و نیازهای ذاتی اثر تحقیقی، به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود.

۱ - ۱ - بیان مسئله

از دیرباز در تحقیقات ادبی، ارجاعات اشکال گوناگونی داشته‌اند و به صورت‌های متفاوتی انجام پذیرفته‌اند؛ با وجود این، حداقل با توجه به محل ذکر ارجاعات، در مجموع آنها را می‌توان بر دو گونه دانست: ۱- ارجاعات «درون‌متنی» یا «درون‌نوشت» که مستقیماً در متن مقاله و همراه با مطالب اصلی آن می‌آیند؛ ۲- ارجاعات «برون‌متنی» که خود بر دو نوع‌اند: برخی از آنها در پاورقی مقالات آمده‌اند که آنها را «پانوشت» می‌نامیم و برخی دیگر، در پایان مقاله و پس از متن اصلی ذکر می‌شوند که اصطلاحاً آنها را «پی‌نوشت» می‌خوانیم. (رک: فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۹۷)

از جنبه‌ای دیگر و بی توجه به محل درج ارجاعات و درون‌متنی یا برون‌متنی بودن آنها و صرفاً با توجه به آنچه اساس کار است، می‌توانیم آنها را در دو دسته اصلی قرار دهیم و بررسی کنیم: ۱- ارجاعاتی که بر اساس نام مؤلف تنظیم می‌شوند؛ ۲- ارجاعاتی که بر اساس نام اثر (کتاب یا مقاله) انجام می‌گیرند. شیوه نخست، «مشهور به شیوه علم انسانی است و شیوه دوم برای علوم طبیعی و تکنولوژیکی مناسب‌تر می‌نماید.» (رک: همان: ۱۹۶) با توجه به آنچه در مجله‌های علمی مربوط به رشته زبان و ادبیات فارسی می‌بینیم، در استفاده از هر کدام از این شیوه‌ها، اشکالات خاصی وجود دارد که برای علمی‌تر، منطقی‌تر و بسامان‌تر کردن آنها لازم است پژوهشی دقیق و درخور در باب آن انجام پذیرد.

۱ - ۲ - ضرورت انجام تحقیق

همچنان که اشاره شد، ارجاعات موجود در مقالاتی که در مجلات علمی مربوط به رشته زبان و ادبیات فارسی چاپ شده‌اند، در برخی موارد اشکالات بسیاری دارند؛ در این مجلات، موارد بسیاری می‌توان یافت که در آنها مؤلفان مقالات، به هیچ وجه حتی اصول پیشنهادی خود مجله را نیز رعایت نکرده‌اند. به عنوان نمونه، در یکی از آنها مقاله‌ای می‌بینیم که اصلاً فهرست منابع ندارد! (رک: بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۵۵-۷۴) توجه به برخی نمونه‌ها که حقیقتاً مثنی از خروار و اندکی از بسیار است، می‌تواند ما را در پی بردن به آشفتگی‌ها، پریشانی‌ها و نبود یک‌دستی‌های موجود در این زمینه یاری نمایند؛ به عنوان نمونه، به گوناگونی‌های غیرمنطقی و آشفتگی‌های موجود در ارجاعات زیر که تنها از یک مقاله انتخاب شده‌اند، توجه فرمایید:

- فرشیدورد، درباره ادبیات و نقد ادبی، ج ۲، ص ۸۰۳ (مؤذنی، ۱۳۸۴: ۶۲)

- جلال بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۶۸ (همان: ۶۲)

- حق شناس، ص ۱۵۴ و ۱۵۶ (همان: ۶۳)

- زرین کوب بروجردی، نقد ادبی، ج ۱، ص ۶ (همان: ۶۴)

- زرین کوب، ارزش میراث صوفیه، ص ۴ (همان: ۶۹)

- نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، ص ۳۰۱ (همان: ۶۷)

- کلیات سعدی، چاپ امیر کبیر، ص ۴۷ (همان: ۶۷)

- پروین اعتصامی، دیوان، ص ۴ (همان: ۶۸)

وجود دشواری و پریشانی‌های بسیاری از این دست، سبب شده است که ناشران برخی از مجلات علمی نیز در مواردی، به‌ناچار به این چندگانگی تن دهند و آن را بپذیرند. به عنوان نمونه، مجله «بوستان ادب» دانشگاه شیراز که همانند بسیاری از مجلات علمی - پژوهشی دیگر، ارجاع به نام مؤلف را اساس کار خود قرار داده، در «راهنمای تدوین مقالات» خود (بند ۱-۳) آورده است: «در صورت لزوم، نام اثر می‌تواند جانشین نام نویسنده شود.»

با توجه به آنچه آوردیم، انجام یک بررسی دقیق در این باب کاملاً ضروری به نظر می‌آید. در مقاله حاضر، نخست به بیان اشکالات کلی ارجاعات موجود در مقالات علمی

مربوط به رشته زبان و ادبیات فارسی خواهیم پرداخت و سپس، اشکالات گوناگون موجود در ارجاع بر اساس نام مؤلف و ارجاع بر اساس نام اثر را جداگانه بررسی خواهیم کرد.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در برخی از کتاب‌ها و مقالاتی که در باب کلیات امر نگارش و آیین نگارش مقالات علمی به چاپ رسیده، شیوه‌های گوناگون ارجاع در مقالات بیان شده است، اما متأسفانه در هیچیک از آنها محاسن و معایب این شیوه‌ها بررسی و بیان نگردیده است؛ نویسنده این مقاله بیشتر به این بخش که در این قبیل آثار مغفول مانده، پرداخته است. مهم‌ترین این آثار که بررسی گردیده‌اند، به ترتیب سال انتشار، عبارتند از: احمدی گیوی (۱۳۸۲)، سمیعی گیلانی (۱۳۸۲)، یاحقی (۱۳۸۲)، احمدی گیوی (۱۳۹۰)، فتوحی (۱۳۹۰)، غلامحسین زاده (۱۳۹۱).

۲- اشکالات کلی موجود در ارجاعات

بعضی از اشکالاتی که به آنها اشاره گردید، حالت عام دارند و آنها را هم در ارجاعاتی که بر اساس نام مؤلف انجام گرفته‌اند، می‌توان دید و هم در ارجاعاتی که بر اساس نام اثر می‌باشند؛ برخی از این اشکالات عبارتند از:

۲-۱- نامناسب بودن محل ارجاعات

همچنان که اشاره گردید، ارجاعات مربوط به متن کتاب‌ها و مقالات، بی‌توجه به این که بر اساس نام اثر یا نام مؤلف باشند، دارای یکی از این سه حالت‌اند: یا در داخل متن و معمولاً در داخل پیرانتز ذکر می‌شوند (درون‌نوشت)، یا در پاورقی (پانویس) و یا در پایان آن (پی‌نوشت)؛ ارجاعات درون‌نوشت، بخصوص زمانی که نام مؤلف یا اثر طولانی باشد یا اثر دارای مؤلفان متعدد باشد، موجب وقفه و گسست می‌شوند و از سرعت و دقت در مطالعه می‌کاهند. پی‌نوشت‌ها نیز چون در پایان متن می‌آیند، قدری از متن دور می‌شوند و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند؛ پانویس‌ها از آنجا که حالتی بینابین دارند، از هردوی این اشکالات به‌دوراند و در این مورد می‌توانند بهترین گزینه باشند. به دو نمونه از این ارجاعات طولانی موجود در متن مقالات چاپ شده، اشاره می‌کنیم:

- طرسوسی، ابوطاهر محمدبن حسن علی بن موسی (مالمیر، ۱۳۸۷: ۲۲۳)

- رک: بوزورث، ۱۳۶۷: ۱۳۰؛ رحمتی، ۱۳۷۸: ۱۲۵-۱۲۸؛ ناجی، ۱۳۸۶: ۴۶۹ (آیدنلو، ۱۳۸۹: ۳)

در برخی از مجلات علمی، از جمله «بهار ادب»، ارجاعات و توضیحات، هردو در پاورقی آمده و تا اندازه‌ای موجب آشفتگی گردیده است. برای پرهیز از این درهم‌ریختگی و نابسامانی، بهتر است آنها را از یکدیگر تفکیک کنیم و مطابق شیوه‌ی پسندیده‌ی معمول، توضیحات طولانی را در پی‌نوشت و ارجاعات را در پانوشت بیاوریم.

۲-۲- ذکر مشخصات کامل منابع در متن مقاله

با توجه به ذکر مشخصات کامل منابع در پایان کتاب‌ها و مقالات، درج تمامی آنها به صورت درون‌نوشت یا پانوشت، ضرورت ندارد و می‌تواند موجب پریشانی باشد. به عنوان نمونه، ارجاعات موجود در متن یکی از مقالات بدین گونه است:

- سرامی، قدمعلی: از رنگ گل تا رنج خار، تهران، نشر علمی فرهنگی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳، صص ۱۱۱ و ۱۱۲. (محمدی، ۱۳۹۰: ۳۳)

۲-۳- ناقص بودن مشخصات در فهرست منابع

در مواردی نیز، مؤلفان مقالات برعکس عمل کرده‌اند و مشخصات منابع مورد استفاده در مقاله را در فهرست منابع و مآخذ، بسیار ناقص و ناتمام آورده‌اند. نمونه‌هایی از این مورد، عبارتند از:

- مشکور، محمدجواد، ایران در عهد باستان (همان: ۱۶۲)

- سقازاده (بی‌تا) سرالمستتر (کمیلی، ۱۳۸۷: ۱۵۷) - قرآن کریم (اسداللهی، ۱۳۸۸: ۴۲)

۲-۴- تفاوت مشخصات مندرج در مقاله با منبع مورد استفاده

گاهی نیز وجود اختلاف در اسامی مؤلفان، مربوط به اصل منابع و مآخذ است؛ به عنوان نمونه، در یکی از نسخه‌های چاپی که به کوشش «رحیم عقیقی» به چاپ رسیده، نام مؤلف، به صورت «ایرانشاه بن ابی الخیر» آمده است و در نسخه‌ی چاپی دیگری که آن را جلال متینی چاپ نموده، به صورت «ایرانشان بن ابی الخیر». (رک: رویانی، ۱۳۹۰: ۱۶۲) طبیعی است که این اختلاف به همین صورت در تحقیقات ادبی نیز راه یافته است.

۲-۵- کاربرد نشانه‌های نگارشی متعدد و متفاوت

نمونه دیگری از این آشفتگی‌ها و عدم یک‌دستی‌ها را در استفاده از علائم موجود در میان عناصر ارجاع می‌توان دید؛ نویسندگان کتاب‌ها و مقالات، برای تفکیک این موارد از یکدیگر از نشانه‌های نگارشی متعدد و متفاوتی از قبیل ویرگول، ویرگول نقطه، دونقطه، خط کج و خط فاصله استفاده می‌کنند:

- سبک‌شناسی/۲/۵۵۵ و ۵۵۶ - گنجینه سخن/۱/۱۲-۱۱ (شیری، ۱۳۸۹: ۵۷)
- دهخدا، ۱۲۸۶: ۱۱۶۱/۲ - فردوسی، ۱۳۷۶: ۵۳۳ (رویانی، ۱۳۹۰: ۱۳۹)
- مثنوی / ۱ / ۱۴۴۸ - ۱۴۵۰ - کلیات شمس / ۲ / ص ۸۴ (مظفری، ۱۳۸۹: ۳۲ و ۳۳)
- مولوی، بی‌تا: ۴۰۵/۳ (ماهیار، ۱۳۸۸: ۹) - ابن منظور، ۱۳۶۳/۱۶۰: ۶ (همان)
- دیوان، ص ۳۲۴، ب ۶ (باقری خلیلی، ۱۳۸۱: ۱۵۰)
- تفسیر ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۶ - ۴۲ (بهمنی، ۱۳۸۱: ۲۰۴)

۲-۶- درج شماره صفحات از چپ به راست

برخی نویسندگان، زمانی که از صفحات متعدد استفاده می‌کنند، شماره آنها را از چپ به راست می‌نویسند: - ۱۲۹۰/۳-۱۲۸۹ (رسمی، ۱۳۸۹: ۱۱۷) - ۳۶۳۲/۳۶۳۴/۴ (همان)

این شیوه صحیح نیست؛ در حساب و ریاضی و مقوله‌های مربوط به آنهاست که اعداد از چپ به راست نوشته می‌شوند و در دیگر نوشته‌ها، بخصوص آثار و تحقیقات مربوط به زبان و ادبیات فارسی، اعداد بخشی از متن محسوب می‌شوند و باید آنها را باید به ترتیب، از راست به چپ نوشت: - درست: سبک‌شناسی/۲/۵۵۵ و ۵۵۶ - نادرست: گنجینه سخن/۱/۱۲-۱۱

۲-۷- عدم یک‌دستی در ارجاع به نام اثر یا نام مؤلف

در موارد بسیاری، نویسندگان مقالات، در ارجاع به نام کتاب یا مؤلف یک‌دست عمل نمی‌کنند و شیوه‌ای التقاطی به کار می‌برند. بدیهی است که این امر، غیرمنطقی و خلاف آیین پژوهش است و موجب آشفتگی و پریشانی می‌گردد. برخی مؤلفان حتی در ذکر نام واحد در یک مقاله نیز به صورت‌های گوناگون عمل نموده‌اند. به عنوان نمونه، ارجاعات زیر را در اشاره به منبعی واحد در یک مقاله می‌بینیم:

- امام علی (ع) (نصر اصفهانی و رخشنده‌مند، ۱۳۸۸: ۷۰) - نهج البلاغه (همان: ۸۷)
- علی بن ابی‌طالب (ع)، دیوان امام علی علیه السلام (همان: ۸۶)

در مقاله‌ای دیگر نیز موارد متفاوت زیر را می‌توان دید:

- فردوسی (مظفریان، ۱۳۸۴: ۴۰) - غزنوی (همان: ۴۵) به جای «سنایی» یا «سنایی غزنوی»

موارد زیر نیز از این قبیل‌اند:

- دادگی، فرنیغ (همان: ۵۹) - فرنیغ (همان) - فرنیغ دادگی (خسروی و موسوی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

۲-۱-۸ - مطابق نبودن ارجاعات درون‌متنی با ارجاعات پایانی

در مواردی، ارجاعات درون‌متنی با ارجاعات موجود در پایان متن که به صورت فهرست منابع تنظیم شده‌اند، مطابقت ندارد؛ به عنوان نمونه، در برخی مقالات، ارجاعات درون‌متنی بر اساس نام اثر تنظیم شده‌اند اما فهرست منابع و مآخذ بر اساس نام مؤلف؛ این خود با منطق تحقیق منافات دارد و از آنجا که مراد از ذکر مشخصات کامل منابع، در پایان کتاب‌ها و مقالات، کمک به خواننده در یافتن آنهاست، ترتیب داده‌ها در ارجاعات داخل متن با ارجاعات موجود در فهرست منابع باید کاملاً منطبق باشد؛ به عنوان نمونه، در متن مقاله‌ای، «برهان» و در فهرست منابع، «تبریزی، محمد بن خلف» (مدرسی، ۱۳۸۸: ۱۷) آمده است.

این بی‌توجهی را به گونه‌ای متفاوت در مجلات دیگر نیز می‌توان یافت. در اغلب این مجلات، در ارجاعات درون متن، سال چاپ و انتشار اثر بلافاصله پس از نام خانوادگی مؤلف آمده، در حالی که این ترتیب در فهرست منابع و مراجع، رعایت نگردیده است: - صدیقیان، مهین‌دخت: فرهنگ واژه‌نمای حافظ، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶. (مدرس‌زاده، ۱۳۸۴: ۹۳)

مطابقت نداشتن کیفیت ذکر نام مؤلف در متن و در فهرست منابع نیز گونه دیگری از این نبود یک‌دستی است؛ به عنوان نمونه، در متن مقاله‌ای، «روزبهان بقلی» و در فهرست منابع، «بقلی شیرازی، روزبهان» آمده است. (جبری، ۱۳۹۰: ۷۵ و ۹۶) به نمونه‌های دیگری از این قبیل، در مقالات دیگر توجه می‌کنیم:

- عین القضاة، ۱۳۸۵، ۱۳-۱۴ (اسداللهی، ۱۳۸۸: ۳۲)، - همدانی، ج ۲، ۱۳۷۷: ۱۹-۲۰ (همان: ۳۷)

در فهرست منابع یک مقاله، نام مؤلفی به صورت «امین احمد رازی، محمد حکیم آذر» و در ارجاعات درون متن به صورت «حکیم آذر» آمده است. (مؤذنی، ۱۳۹۰: ۳۳ و ۳۹) در مقاله دیگری نیز، در ارجاعات درون متنی، «امیرمعزی» و در فهرست منابع، «معزی» آمده است. (مظفریان، ۱۳۸۴: ۴۸) یکی دیگر از محققان نیز در متن مقاله خود «برتلس» آورده است و در فهرست منابع و مآخذ آن، «اردواریویچ برتلس، یوگنی». (جبری، ۱۳۹۰: ۷۳ و ۹۶)

یکی دیگر از موارد مطابقت نداشتن ارجاعات درون متن با ارجاعات پایان متن که در بعضی از مجلات علمی دیده می‌شود، ذکر اسامی اشخاص و حتی کتاب‌ها در متن به صورت فارسی و ذکر آنها در فهرست منابع، به صورت لاتین است:

- آیزر، ۱۹۷۴: ۲۸۹ (پاینده، ۱۳۸۷: ۸۶) - Iser, Wolfgang ... (همان: ۸۹)
- حبیب، ۲۰۰۵: ۷۱۰ (همان: ۸۰) - Habib, M. A. R. ... (همان: ۸۹)
- کلی، ۱۹۹۸: ۱۳ (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۵) - Michael ... (همان: ۳۱)
- ژرار، ۱۹۸۶: ۱۹-۱۰ (همان: ۱۸) - Girard, Rene ... (همان: ۳۱)

عجیب است که در برخی مجلات، حتی مشخصات منابعی را نیز که در اصل به زبان فارسی نوشته شده‌اند، در فهرست منابع با حروف لاتین آورده‌اند:

Akhavan Sales, Mahdi (1369/1980) *Gozideyeh Ash'ar Ghahraman*, / (selected Poems). Tehran: Morvarid eds.

Mohammad (1365/1986) *Divan Saeb Tabrizi*... (علوی، ۱۳۹۰: ۵۹)

۲-۱-۹- کاربرد کلمات و نشانه‌های اختصاری متعدد و متفاوت

یکی دیگر از دلایل این نابسامانی، استفاده از کلمات و نشانه‌های اختصاری متعدد و متفاوت در موارد مشابه است؛ به عنوان نمونه، در ارجاعات، برای پرهیز از تکرار، برخی از کلمه «همان» (رک: پورخالقی چترودی و محمودی، ۱۳۸۹: ۱۳) استفاده می‌کنند، برخی از کلمه «همو» (باباصفری و نصری، ۱۳۸۸: ۲۳) و برخی دیگر از کلمه «پیشین» (رک: میرقادری، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

در مواردی نیز که نام مؤلف اثر معلوم نیست، نویسندگان مقالات، کلمات متعدد و متفاوتی از قبیل «بی‌نا» (جبری، ۱۳۹۰: ۷۷)، «بی‌نام» (توسلی، ۱۳۸۷: ۵۴)، «ناشناس»

(فرشچیان، ۱۳۸۶: ۸۳) و «بی مؤلف» (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۷۲) را به کار برده‌اند. به نظر می‌رسد که بهتر است که در تمام موارد و در همه مقالات، از نشانه واحدی استفاده کنیم.

۲-۲- اشکالات موجود در ارجاع بر اساس نام مؤلف

در بسیاری از مقالاتی که اساس ارجاعات در آنها بر نام مؤلف است، موارد متعددی از ارجاع به نام کتاب را می‌توان دید؛ به عنوان نمونه، در مقاله‌ای که مطابق شیوه‌نامه مجله، ارجاع در آن براساس نام مؤلف است، از ۱۲ مورد، در ۹ مورد، ارجاع براساس نام کتاب انجام گرفته است. (رک: واشقانی فراهانی، ۱۳۸۹: ۳۵۱-۳۵۲) بدیهی است که بروز این حالت، صرفاً نتیجه بی‌دقتی مؤلف نیست بلکه بیشتر حاصل وجود دشواری‌های بسیار در ارجاع بر اساس نام مؤلف است. متأسفانه در این گونه موارد نیز یک‌دست عمل نشده و گاهی نام کتاب به صورت کامل آمده است و گاهی نیز، به جای آن، نام شاعر یا نویسنده را ذکر کرده‌اند یا نام کتاب را به صورت کامل نیاورده‌اند: به عنوان نمونه، در یک صفحه از مقاله‌ای، دو مورد مشابه به دو شکل متفاوت آمده است:

- دیوان قآنی (علوی، ۱۳۹۰: ۴۶) - کاشانی (همان)

۳-۱- نامعلوم بودن نام مؤلف

مؤلف بعضی آثار معلوم نیست و در صورت استفاده از آنها، ناگزیریم به نام کتاب اشاره کنیم و این امر، خواه ناخواه، شیوه علمی و منطقی تدوین منابع و مراجع براساس نام مؤلف را در هم خواهد ریخت؛ به عنوان نمونه، در مقاله‌ای که مؤلف در آن تمام ارجاعات خود را بر اساس نام مؤلفان تنظیم نموده است، وقتی به نقل مطلبی از «مختارات من الرسائل» رسیده و شاهدی از آن نقل نموده، به‌ناچار نام کتاب را اساس ارجاع خود قرار داده و نوشته است:

- مختارات من الرسائل، ۱۳۵۳: ۲۱۲ (رک: احمدی دارانی، ۱۳۹۰: ۱۹)

مواردی از این قبیل بسیاراند و تنها به چند نمونه دیگر از آنها که در برخی مقالات، مورد استفاده مؤلفان بوده‌اند، اشاره می‌کنیم:

- روایت پهلوی (واشقانی فراهانی، ۱۳۸۹: ۳۴۰) - مینوی خرد (همان)

- یشت‌ها (همان: ۳۵۱) - ارداویراف‌نامه (همان) - خرده اوستا (همان)

- روایت پهلوی (همان) - نه‌ایه الارب فی اخبار الفرس و العرب (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۱۴)

در مواردی نیز، به دلیل نامعلوم بودن نام مؤلفان برخی از آثار، محققان ناگزیر می‌شوند به جای نام مؤلف از الفاظی از قبیل «بی‌نا» استفاده کنند؛ به عنوان نمونه، مؤلف یکی از مقالات علمی در یکی از موارد، مطلبی از ترجمه رساله قشیریه نقل نموده و به صورت «بی‌نا، ۱۳۷۴: ۳۶۲» ارجاع داده است. (جبری، ۱۳۹۰: ۷۷) برخی نیز به جای «بی‌نا» از کلمه «بی‌نام» استفاده می‌کنند و در مواردی این لفظ را در فهرست منابع، به جای نام مؤلف قرار می‌دهند و در ترتیب الفبایی لحاظ می‌نمایند که امری غیرمنطقی است. (به عنوان نمونه، رک: توسلی، ۱۳۸۷: ۵۴) مؤلف دیگری نیز در موردی مشابه، در اشاره به کتاب «حدود العالم»، کلمه «ناشناس» را به کار برده (رک: فرشچیان، ۱۳۸۶: ۸۳) و نویسنده دیگری از لفظ «بی‌مؤلف» استفاده نموده است:

«فرامرنامه، بی‌مؤلف» (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۷۲).

گاهی نیز در فهرست منابع، در مواردی که نام مؤلف معلوم نبوده، آن را خالی گذاشته‌اند و نام اثر را اساس تنظیم فهرست منابع قرار داده‌اند که این خود موجب دوگانگی و بی‌ترتیبی گردیده است؛ به عنوان نمونه، در مقاله‌ای که فهرست منابع آن بر اساس نام مؤلف تنظیم شده است، در ترتیب الفبایی منابع، موارد زیر را می‌بینیم:

- مجمل التواریخ و القصص - فرامرنامه (رک: حسام‌پور و جبار ناصر، ۱۳۸۹: ۷۴)

۲-۲ - تعدد مؤلفان

مشکل دیگری که در ارجاع به نام مؤلف به نظر می‌آید، این است که برخی از آثار، از جمله مجلات، مؤلف واحدی ندارند و در واقع، مجموعه‌ای از مؤلفان آنها را پدید آورده‌اند. اگر پژوهشگری در مقاله خود بخواهد به کل این قبیل آثار و نه یکی از مقالات مندرج در آنها ارجاعاتی داشته باشد، درخواهد ماند و ناگزیر خواهد شد به نام مجلات اشاره نماید. به عنوان نمونه، در یک مقاله، نویسنده‌ای در حالی که در همه موارد، اساس ارجاعات را بر نام مؤلف قرار داده، در مورد خاصی ناگزیر شده است آن را بر اساس نام کتاب بیاورد: «یادنامه بیهقی، دانشکده ادبیات...» (نجاریان و ایران‌منش، ۱۳۸۸: ۱۱۲) به برخی دیگر از این قبیل موارد که در مقالات علمی دیده می‌شوند، اشاره می‌کنیم:

- مجموعه «نمیرم از این پس که من زنده‌ام» (مفتی، ۱۳۸۶: ۱۶۱)

- دایره المعارف بزرگ اسلامی (غریب‌حسینی و بصیری، ۱۳۸۷: ۹۶)

همچنان که می‌بینیم، در مواردی که اثر متعلق به دو یا چند نفر است نیز پریشانی‌هایی در ارجاعات یافت می‌شود؛ برخی محققان به ذکر نام نفر اول بسنده می‌کنند، در حالی که برخی دیگر، نام همه مؤلفان را می‌آورند؛ به عنوان نمونه، در یکی از مجلات، هردو نوع این ارجاعات را در یک مقاله می‌بینیم:

- «سلدن» به جای «سلدن رامان» و «ویدوسون پیتز» (دهقانیان و حسام‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۲ و

(۱۲۱)

- سلدن، رامان (فروزنده، ۱۳۸۷: ۱۵۰)

برخی نیز پس از ذکر نام یکی از مؤلفان، تعبیر «و دیگران» را به آن افزوده‌اند؛ مثل «طالبیان و دیگران». (روحانی و عنایتی قادیکلایی، ۱۳۸۸: ۱۲۱) برخی مجلات نیز پیشنهاد می‌کنند که در این قبیل موارد، تنها به ذکر نویسنده اول بسنده و به جای نام دیگر مؤلفان، در مجموع از کلمه «همکاران» استفاده شود؛ به عنوان نمونه: «اسمیت و همکاران» (رک: پژوهش ۳، راهنمای تدوین). تعدد نام مؤلفان، خود می‌تواند موجب طولانی‌گشتن ارجاعات گردد:

- رک: صفا، ۱۳۶۳: ۴۳۱؛ کریستن سن، ۱۳۷۷: ۳۰۲؛ بهار، ۱۳۸۱: ۲۱۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹؛

صدیقیان، ۱۳۷۵: ۷۸ (دزفولیان و صحرائی، ۱۳۸۹: ۸۵)

- ویلفرد. ال گورین؛ ارل. جی لیبر؛ جان. ار ویلینگهام؛ لی مورگان (محمدیان، ۱۳۸۸:

(۱۳۱)

در مواردی که نویسنده مقاله بیش از یک نفر باشد، معمولاً یکی از آنها، به عنوان نویسنده مسئول شناخته می‌شود. در این گونه موارد، برای پیش‌گیری از طولانی شدن ارجاعات می‌توان تنها به ذکر نام نویسنده اول (مسئول) بسنده کرد.

۲-۲-۳- تعدد آثار مؤلفان

گاهی نیز پژوهشگر از آثار متعدد یک نویسنده استفاده می‌کند و این، کار را قدری دشوار می‌گرداند. به عنوان نمونه، ۱۱ مورد از ۱۸ منبع مورد استفاده نویسنده‌ای، از شفیع کدکنی است. (رک: محمدیان، ۱۳۸۸: ۱۳۰) نویسنده دیگری نیز در مقاله خود از چهار اثر عین القضاة به نام‌های «تمهیدات»، «نامه‌ها»، «دفاعیات و گزیده حقایق» و «رساله لوایح» استفاده نموده است. (اسداللهی، ۱۳۸۸: ۴۳) بدیهی است که در این گونه موارد، ذکر سال

انتشار اثر که از ضروریات امر ارجاع است، می‌تواند این قبیل آثار را از یکدیگر متمایز گرداند؛ «چنانچه نویسنده‌ای دو یا چند اثر را در یک سال به چاپ رسانده باشد [نیز] می‌توانیم نخست آثار مؤلف را با حروف الفبا رده‌بندی کنیم؛ به این ترتیب که حروف الفبا را پس از سال تألیف هر اثر بنویسیم؛ به عنوان نمونه:

- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸ الف) آینه‌ای برای صداها، تهران، سخن.

- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸ ب) هزارهٔ دوم آهوی کوهی، تهران، سخن.

(رک: فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۰۳)

۲-۲-۴- آوردن «نام خانوادگی» و «نام» به جای «نام خانوادگی»

در موارد متعددی، محققان، به جای نام خانوادگی مؤلف، هم نام و هم نام خانوادگی او را آورده‌اند و این خود موجب دوگانگی گردیده است. حتی ترتیب ذکر نام و نام خانوادگی نیز در این قبیل موارد یکسان نیست:

- پیرنیا (احمدپور، ۱۳۸۸: ۲۰) - حسن پیرنیا (همان: ۳۸)

- ویل دورانت (همان: ۲۰) - ابوالحسن نجفی (بصیری، ۱۳۸۸: ۴۶)

- نصرالله منشی، ۱۳۷۸: ۱۲۶-۱۲۷ (پورنامداریان، ۱۳۸۷: ۳۱)

- سهراب سپهری، ۱۳۶۹: ۳۲ (اکبری، ۱۳۹۰: ۹۴)

۲-۲-۵- نامتعارف بودن ذکر نام مؤلف یا صاحب اثر

در مواردی نیز باورها، اعتقادات، عرف‌ها و سنت‌های جاری در جامعه، به مؤلفان و محققان اجازه ذکر نام صاحب اثر را نمی‌دهد؛ به عنوان نمونه، وقتی محقق قصد دارد قرآن مجید را به عنوان یکی از منابع تحقیق خود ذکر کند، نمی‌تواند «الله» یا «خدا» یا واژه‌هایی مانند آنها را به عنوان نام مؤلف بیاورد؛ یا زمانی که محقق، مطلبی از نهج البلاغه نقل می‌کند، معمولاً نمی‌تواند «علی» (ع)، «حضرت علی (ع)»، «ابن ابی طالب» یا مواردی از این قبیل را به عنوان نام مؤلف ذکر نماید و ناگزیر است به ذکر «قرآن مجید» یا «نهج البلاغه» بسنده کند. (رک: جبری، ۱۳۹۰: ۹۶) و این، ترتیب کار را برهم خواهد زد. برخی از اسامی نیز خودبه‌خود حالتی نامتعارف دارند:

- میرزا آقاسرदार، نجفقلی (کرمی و حسام‌پور، ۱۳۸۳: ۱۶۱)

- فرنیغ دادگی (واشقانی فراهانی، ۱۳۸۸: ۲۶۸)

۲-۲-۶- عدم تشخیص نام از نام خانوادگی

گاهی نیز تشخیص نام و نام خانوادگی از یکدیگر دشوار می‌گردد؛ به عنوان نمونه، اغلب محققان تردید کرده‌اند که آیا «پرویز ناتل» و «خانلری»، به ترتیب، نام و نام خانوادگی مؤلف بوده است یا «پرویز»، نام و «ناتل خانلری»، نام خانوادگی او. به عنوان نمونه، در متن مقاله‌ای «خانلری» آمده (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۰۱) و در فهرست منابع، «ناتل خانلری، پرویز» (همان: ۱۱۸) موارد زیر نیز از قبیل‌اند:

- ناتل خانلری، پرویز (مدرسی، ۱۳۸۸: ۱۷) - ناتل خانلری (پارسا، ۱۳۸۸:

۱۰۱)

- خانلری، پرویز (امیری خراسانی و صرفی، ۱۳۸۸: ۳۴)

در یک مقاله از مجله‌ای می‌بینیم: «شبل / شبللی نعمانی» (فلاح، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۶۳)، در حالی که در همان مجله و در مقاله‌ای دیگر، نام این مؤلف به صورت «نعمانی هندی، شبللی» آمده است: (رک: آقابابایی خوزانی، ۱۳۸۷: ۱۱۱) موارد زیر نیز از این قبیل‌اند:

- امین ریاحی، محمد (آقابابایی خوزانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸) به جای «ریاحی، محمدامین»

- برومند سعید، در متن، برومند (قند پارسی، ۳۲) به جای «برومند سعید، جواد»

- طباطبایی، محیط (همان: ۳۹) به جای «محیط طباطبایی، محمد»

- نوابی ماهیار (اکبری مفاخر، ۱۳۸۸: ۵۳) به جای «ماهیار نوابی، یحیی»

- صالح علی پاشا (همان: ۳۱) - پاشا صالح، علی (همان: ۳۸)

- فرنبنگ دادگی (واشقانی فراهانی، ۱۳۸۸: ۲۶۸) - دادگی، فرنبنگ (مظفریان، ۱۳۸۴: ۵۹)

- فرنبنگ دادگی (امینی لاری و محمودی، ۱۳۸۸: ۵۸)

۲-۲-۷- درآمیختن کنیه، لقب و تخلص با نام و نام خانوادگی

توجه به لقب و کنیه مؤلفان و تردید در ذکر کردن یا نکردن آن و نبود یک‌دستی در ترتیب آنها در ارجاعات، مؤلفان را سردرگم نموده است:

- نظام الملک طوسی، حسن (فرشچیان، ۱۳۸۶: ۸۳)

- ابوعلی حسن طوسی، نظام الملک (هاشمیان و سهرابی، ۱۳۸۸: ۲۸۶)

- طوسی، نصیرالدین (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۶۸) - نصیرالدین طوسی (بهنام‌فر، ۱۳۸۹: ۳۰)

- فردوسی (اکبری مفاخر، ۱۳۸۶: ۳۱) - فردوسی، حکیم ابوالقاسم (واشقانی فراهانی، ۱۳۸۸: ۲۷۴)

- مولانا (نصر اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۱۰) - مولوی (کیخای فرزانه، ۱۳۸۹: ۱۲۶)

- مولوی، جلال‌الدین (کرمی و حسام‌پور، ۱۳۸۳: ۱۶۱)

- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مشرف، ۱۳۸۷: ۸۳)

- حافظ، شمس‌الدین محمد (خسروی و موسوی، ۱۳۸۷: ۱۲۶)

- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد (واحددوست، ۱۳۸۹: ۱۶۹)

- حافظ، شمس‌الدین محمد (کرمی و حسام‌پور، ۱۳۸۳: ۱۶۱)

- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (آقابابایی، ۱۳۸۷: ۱۰۹)

- سعدی، مصلح‌الدین (کیخای فرزانه، ۱۳۸۹: ۱۴۴)

- غزالی، ابوحامد (فلاح، ۱۳۸۸: ۱۹۶) - غزالی، ابوحامد محمد (تقوی، ۱۳۸۷: ۱۳۳)

- غزالی، محمد (پناهی، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

همچنان که می‌بینیم، برخی، گذشته از نام مؤلف و نام پدر وی، کنیه و لقب او را نیز می‌آورند و این امر بیش از پیش می‌تواند به آشفتگی در ارجاعات دامن بزند. در ضمن، ذکر این کنیه‌ها و القاب، اغلب موجب طولانی‌تر شدن نام مؤلفان می‌گردد:

- ابن اثیر عزالدین ابوالحسن علی بن لبی الکرّم الشیبانی (فلاح، ۱۳۸۷: ۱۶۲)

- عنصر المعالی، کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر (آقابابایی، ۱۳۸۷: ۱۰۹)

کنیه برخی از مؤلفان نیز معلوم نیست؛ از این رو نمی‌توان در تمام موارد ذکر کنیه مؤلفان را لازم دانست:

- محمد بن منور (جبری، ۱۳۹۰: ۹۱)

در عین حال، بعضی از القاب، به دو یا چند صورت معروف شده‌اند؛ «مولانا»/ «مولوی» از این قبیل است. جالب است که در برخی آثار تحقیقی نیز نام مولانا به صورت «مولوی بلخی» آمده است. (رک: بارانی، ۱۳۸۹: ۸) عجیب است که مؤلف همین مقاله، نام این شاعر بزرگ را در فهرست منابعی که در پایان مقاله آورده، به صورت «بلخی، جلال‌الدین محمد (مولوی)» ذکر کرده است. (همان: ۲۶)

در مواردی نیز لقب، تخلص، نام مستعار یا شهرت شاعر یا نویسنده‌ای معروف‌تر از نام و نام خانوادگی اوست و غالباً محققان، به جای نام و نام خانوادگی، آنها را می‌آورند. به

عنوان نمونه، به جای «علی اسفندیاری»، «نیما یوشیج» یا «نیما» می‌نویسند: (رک: روحانی، ۱۳۹۰: ۱۶۲ و ۱۶۳). نام این شاعر در فهرست منابع همان مقاله نیز به صورت «یوشیج نیما» آمده است. (همان: ۱۶۸) در مقاله‌ای دیگر، این نام به صورت «نیما یوشیج» ذکر شده است. (یاحقی و سنچولی، ۱۳۹۰: ۴۷) در مقاله دیگری نیز، در جایی «فروغ» (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۶۰) و در جایی دیگر، «فرخ‌زاد» (همان: ۱۶۳) آمده است.

وجود تعبیراتی از قبیل «سید»، «سیده»، «میر»، «میرزا»، «شیخ» و مانند آن در ابتدای اسامی و تردید در ذکر کردن یا ذکر نکردن آن نیز می‌تواند موجب اختلال در ارجاع بر اساس نام مؤلف باشد. در مواردی نیز خود مؤلف، نام خود را در دو اثر به صورت متفاوت آورده است و این امر ممکن است موجب شود که خوانندگان، آنها را دو شخصیت متفاوت تصور کنند:

- عابدینی (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۷۸ و ۱۸۰) - میرعابدینی (همان)

مواردی می‌توان یافت که در آنها گویی لقب جزوی از اسم شده است و به آسانی نمی‌توان آن دو را از یکدیگر جدا نمود؛ «شیخ عباس قمی» از این قبیل است و نویسندگان مختلف این نام را به صورت‌های متفاوت و نامقبولی آورده‌اند: - قمی، شیخ‌عباس (محمدحسین‌زاده و امیری‌خراسانی، ۱۳۸۶: ۱۳۲) - عباس قمی، شیخ (فاطمه‌حسینی، ۱۳۸۴: ۴۴)

۲-۲-۸- مطابقت نداشتن نام‌های عربی با نام‌های فارسی

اسامی، القاب و عناوین معمول در گذشته و اسامی رایج در کشورهای عربی که قرابت نزدیکی با فرهنگ ما دارند و بسیاری از آثار آنها در مطالعات و تحقیقات ادبی ما مورد استفاده قرار می‌گیرند، با نام خانوادگی و نام که امروزه رایج است، متفاوت است و یک-دست ساختن آنها بسیار دشوار می‌نماید. ذکر چند نمونه از ارجاعات موجود در فهرست منابع یکی از مقالات مندرج در یکی از این نشریات علمی می‌تواند نشان‌دهنده این پریشانی و آشفتگی باشد:

- ابن ماهرو، عبدالله / حافظ، شمس‌الدین محمد / بهاء‌الدین بغدادی، محمد بن مؤید / خاقانی، بدیل بن علی / ثروتیان، بهروز / رشیدالدین، فضل‌الله / خرمشاهی، بهاء‌الدین /

رشید وطواط / میرالدین بیلقانی / سعدی، مصلح بن عبدالله / مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (احمدی دارانی، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۴) نمونه‌های زیر نیز از این قبیل‌اند:

- احسان عباس (محبّتی، ۱۳۸۳: ۸، ۹ و ۱۵) - سعد سلمان، مسعود (همان: ۲۷۶)

- جرجی زیدان (نوریان، طغیانی و حاتمی ۱۳۸۴: ۹۲)

- در متن مقاله‌ای، در همهٔ موارد، «عتیق» و در فهرست منابع، «نیشابوری، ابوبکر محمد

بن عتیق» آمده است. (رک: اکبری مفاخر، ۱۳۸۸: ۵۳)

وجود «ال» در اسامی عربی نیز این تردید و عدم یک‌دستی را بیشتر کرده است؛ به عنوان نمونه، توجه به ترتیب اسامی در فهرست منابع مقاله‌ای نشان می‌دهد که در ترتیب الفبایی، «ال» در «الافلاکی» به شمار آمده (فولادی، ۱۳۸۳: ۱۲۳) ولی در همان مجله و در مقاله‌ای دیگر، در «السمعانی» و «الهجوری» به شمار نیامده است. (رک: محبتی، ۱۳۸۳: ۱۵) در مقاله‌ای دیگر نیز «التهانوی» بعد از «پورجوادی» و قبل از «جامی» آمده است که به شمار آمدن یا نیامدن «ال» در ابتدای این اسم را معلوم نمی‌گرداند. (رک: اسداللهی، ۱۳۸۸: ۴۲)

۳-۹- ذکر پسوندها

یکی دیگر از مواردی که در ارجاعات، دوگانگی ایجاد نموده، ذکر پسوندهاست. برخی محققان، پس از نام و نام خانوادگی، پسوندی را نیز که غالباً بر زادگاه یا زیستگاه مؤلف اشاره دارد، به آن افزوده‌اند:

- سعدی شیرازی (حمیدیان و جلالی، ۱۳۹۰: ۶۳) - شفیعی کدکنی (بهنام‌فر، ۱۳۸۹: ۳۲)

در برخی مقالات، دو اسم که از هر لحاظ همانند یکدیگرند، به دو صورت متفاوت

آمده‌اند؛ به عنوان نمونه، در یک مقاله، در یک صفحه معین، هم «سنایی» آمده است و هم

«عطار نیشابوری» (یکی بی‌پسوند و دیگری با پسوند) (بهنام‌فر، ۱۳۸۹: ۴۲) در صفحات

دیگری از آن مقاله نیز این اسامی را می‌بینیم: - شمس تبریزی / - شفیعی کدکنی (همان: ۳۲)

اگر بنا را بر حذف پسوندها بگذاریم نیز درباب برخی اسامی دچار تردید خواهیم شد؛

به عنوان نمونه، بعید است کسی در ارجاعات خود به جای «الهی قمشه‌ای، صرفاً «الهی»

بیاورد. (فاتحی، ۱۳۹۰: ۱۷۱) علت این امر، کثرت کاربرد اجزای این اسامی در کنار یکدیگر

است. همین نویسنده که «الهی قمشه‌ای» آورده، در موردی دیگر، به جای «حبیب‌زاده

مرودرشتی» (فاتحی، ۱۳۹۰: ۱۸۴)، تنها به ذکر «حبیب‌زاده» به عنوان نام خانوادگی مؤلف بسنده نموده است. (همان: ۱۶۸)

برخی صرفاً به ذکر این گونه‌ها بسنده کرده و نام خانوادگی مؤلف را نیاورده‌اند؛ به عنوان نمونه، در مقاله‌ای، به جای «اسلامی ندوشن»، آمده است: «ندوشن» (رک: صفری و زارعی، ۱۳۸۹: ۷۶) در همان مقاله و در جایی دیگر، آمده است: «اسلامی ندوشن». (همان: ۸۵)

یکی از اشکالات مهمی که در این مورد دیده می‌شود، دوگانگی موجود میان ارجاعات درون‌متنی و فهرست منابع و مراجع است. یکی از مؤلفان، در متن مقاله‌ای، «قیس رازی» (پارسا، ۱۳۸۸: ۸۰) و در فهرست منابع، «شمس‌الدین رازی، محمد بن قیس» آورده است. (همان: ۱۰۱) مؤلف دیگری نیز در متن، «امیرخسرو» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۱) و در ارجاعات پایانی، «دهلوی، امیرخسرو» آورده است. (همان: ۸۱) در مقاله‌ای دیگر نیز نام مؤلف در جایی «کریمی» و در جایی دیگر از همان مقاله، به صورت «کریمی قره‌بابا» آمده است؛ جالب است که نام این مؤلف نیز در فهرست منابع همان مقاله به صورت «قره‌بابا، سعید کریمی» آمده است. (شعاعی، ۱۳۹۰: ۴ و ۱۱ و ۱۷) اسامی زیر را نیز در ارجاعات موجود در یک صفحه از یک مقاله می‌توان دید: نظیری، صائب، فیاض لاهیجی، شاپور تهرانی، سنجر کاشانی، غزالی مشهدی، مسیح کاشانی (مؤذنی، ۱۳۹۰: ۳۵)

همچنان که می‌بینیم، تردید در ذکر کردن یا ذکر نکردن پسوندها نیز ارجاعات را به دوگانگی و در نهایت آشفتگی و نابسامانی دچار نموده است. در جایی از یک مقاله، «سجزی دهلوی» و در جایی دیگر از آن، «حسن سجزی دهلوی» آمده است. (رک: واثق، ۱۳۹۰: ۱۹۳ و ۱۹۴) همین نویسنده در صفحه ۲۰۱ همان مجله و در ادامه همان مقاله، به جای «سعدی» از «س» و به جای دهلوی از «ح» استفاده نموده و در جایی دیگر از همان مقاله، «امیرحسن سجزی» آورده است! (همان: ۲۱۰) وی در فهرست منابع نیز نام این شاعر را به صورت «دهلوی، حسن بن علی» و نیز به تبعیت از صفحه عنوان کتاب، «سجزی دهلوی، امیرحسن» آورده است. (همان: ۲۱۵)

در مواردی نیز نام مؤلف - بدان صورت که در مقاله قید شده - با آنچه بر روی کتاب آمده، متفاوت است و کاملاً با آن مطابقت ندارد. به عنوان نمونه، در مقاله‌ای نام مؤلف

«کشف المحجوب»، به صورت «هجویری» قید شده، در حالی که بر روی کتاب، به صورت «جلابی هجویری» آمده است. (رک: جبری، ۱۳۹۰: ۸۴) در مورد دیگری نیز آنچه بر روی کتاب آمده، «نجم‌الدین ابوبکر رازی» است اما آنچه در متن مقاله‌ای که در آن به همان کتاب ارجاع داده شده است، آمده «رازی» است. (رک: جبری، ۱۳۹۰: ۹۲ و ۹۷)

۲-۲-۱۰ - طولانی بودن برخی نام‌ها

طولانی بودن برخی نام‌ها نیز می‌تواند موجب اختلال در ذکر ارجاعات باشد. علت طولانی شدن این نام‌ها، اغلب ذکر کنیه، القاب، عناوین و مانند آن است:

- سلمی، ابی عبدالرحمن محمدبن‌الحسین بن موسی‌الازدی (فرضی شوب و زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۹۷)

- ووطا، رشیدالدین محمد عمری کاتب بلخی (غریب‌حسینی و بصیری، ۱۳۸۷: ۹۷)

- طرسوسی، ابوطاهر محمدبن حسن علی بن موسی (مالمیر، ۱۳۸۷: ۲۲۳)

۲-۲-۱۱ - آوردن نام مترجم به جای نام مؤلف

در مواردی که مطلبی از کتابی ترجمه شده، نقل می‌شود، قاعده آن است که در ارجاع، نام مؤلف اصلی را اساس قرار می‌دهند، نه نام مترجم را؛ مواردی دیده می‌شود که بی‌دقتی محقق در این مورد، اختلال به وجود است؛ به عنوان نمونه، در مقاله‌ای، نویسنده، مطلبی از «ترجمه رساله قشیریه» نقل کرده و با توجه به نامعلوم بودن نام مترجم، در ارجاعات، از ذکر نام مؤلف اصلی اثر، یعنی «قشیری»، خودداری نموده و به ذکر نام کتاب، آن هم به صورت «ترجمه رساله قشیریه» بسنده کرده است؛ ظاهراً ایشان «ترجمه رساله قشیریه» را نام خاص این اثر تصور نموده و آن را به جای نام اصلی کتاب، یعنی «رساله قشیریه» آورده‌اند. (جبری، ۱۳۹۰: ۹۶)

در این قبیل موارد نیز گاهی مؤلفان، نام خانوادگی را قبل از نام نویسنده اثر آورده‌اند:

- ... ترجمه باستانی پاریزی، دکتر ابراهیم (احمدپور، ۱۳۸۸: ۳۸)

۲-۲-۱۲ - آوردن نام مصحح به جای نام مؤلف

در مواردی نیز محققان و مؤلفان مقالات علمی، به اشتباه، نام مصحح را به جای نام مؤلف اصلی آورده‌اند: به عنوان نمونه، در مقاله‌ای، نام مرحوم «خزائلی» به جای نام

«سعدی» (همان: ۹) آمده و در مقاله‌ای دیگر، ضمن نقل مطلبی از نهج البلاغه، در ارجاع به آن، نام «صبحی صالح» آمده است. (نیکدار اصل، ۱۳۸۸: ۲۰۵) موارد زیر نیز از این قبیل‌اند:
 - به اهتمام و ویرایش دستگردی، وحید (اقبال، ۱۳۸۳: ۱۳۶)
 - تفضلی، احمد، مینوی خرد (اکبری مفاخر، ۱۳۸۶: ۳۲)

۲-۲-۱۳- آوردن محل چاپ به جای نام مؤلف

در مواردی نیز مؤلفان، محل چاپ را به جای نام مؤلف در محل ارجاع قرار داده‌اند؛ به عنوان نمونه، یکی از محققان، در ارجاع به شاهنامه مسکو که زیر نظر «برتلس» تصحیح شده، این گونه ارجاع داده است:
 - مسکو، ج ۷، ۵۶۸/۲۵۰ (فلاح، ۱۳۸۷: ۱۵۷)

۲-۲-۱۴- دوگانگی‌های املائی

از دشواری‌های دیگری که ممکن است در ارجاع به نام مؤلفان خارجی پیش آید، دوگانگی و حتی چندگانگی در املائی فارسی این نام‌هاست. در صورتی که اگر اساس ارجاع، نام کتاب باشد، این اشکال چندان به نظر نخواهد آمد:

- باسورث (نجمی و مختاری، ۱۳۸۹: ۳۲۳) - بوزورث / باسورث (آیدنلو، ۱۳۸۹: ۷)
- طوسی، نظام الملک (نصیری، ۱۳۸۷: ۳۷) - طوسی، نصیرالدین (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۶۸)
- توسی (فلاح، ۱۳۸۸: ۱۹۵) - توسی (پارسا، ۱۳۸۸: ۸۱)
- ایرانشان / ایرانشاه (جعفری قریه‌علی، ۱۳۸۸: ۲۰۲)
- ابی‌الخیر، ایرانشاه (حسام‌پور و جبارہ ناصرو، ۱۳۸۹: ۷۳)
- ایرانشاه بن ابی‌الخیر (جعفری قریه‌علی و زارع منصوری، ۱۳۸۹: ۵۱)

۲-۳- اشکالات موجود در ارجاع بر اساس نام کتاب

مسئولان محترم برخی از مجلات، سعی کرده‌اند با استفاده از ایجاد تفاوت در اندازه و میزان سیاهی خط، نام کتاب را مشخص گردانند و این خود، به گونه‌ای نگرانی آنها در کم‌توجهی به ذکر نام کتاب را نشان می‌دهد؛ (به عنوان نمونه، رک: شیری، ۱۳۸۹: ۸۰ - ۸۱) بدیهی است که اساس قرار دادن نام کتاب در ارجاعات می‌تواند این دشواری را نیز از میان بردارد. از آنجا که بر روی اغلب کتاب‌ها هم ابتدا نام اثر و سپس نام مؤلف آمده

است، رعایت این ترتیب در ارجاعات نیز معقول‌تر و منطقی‌تر به نظر می‌رسد. از جمله اشکالات ممکن در ارجاع بر اساس نام آثار به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

۲-۳-۱- وجود آثار هم‌نام

برخی از این مجلات نیز در مواردی که نام کتاب‌ها مشابه یا یکسان بوده است، از شیوه‌نامه خود تخطی نموده و در ارجاعات، نام مؤلف را اساس قرار داده‌اند؛ به عنوان نمونه، در یک مقاله، ارجاع به دو کتاب متفاوت هم‌نام را به این صورت می‌بینیم: «وحیدیان، نگاهی تازه به بدیع، ۱۷» و «شمیسا، نگاهی تازه به بدیع، ۶۳». بدیهی است که این اشکال را نیز می‌توان با ذکر سال انتشار پس از نام کتاب برطرف ساخت و مثلاً همان دو مورد را بدین گونه نوشت: (نگاهی تازه به بدیع، ۱۳۸۳: ۱۷) و (نگاهی تازه به بدیع، ۱۳۷۲: ۶۳)

۲-۳-۲- طولانی بودن نام آثار

مشکل طولانی بودن نام برخی کتاب‌ها، بخصوص در ارجاعات درون‌متنی می‌تواند نویسنده و خواننده را بیازارد. به همین دلیل است که مؤلفان در برخی از ارجاعات، نام آثار را کوتاه کرده‌اند و به عنوان نمونه، به جای «روض الجنان و روح الجنان»، «روض الجنان» (رک: پارسانسب، ۱۳۸۷: ۳۹)، به جای «اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید»، «اسرار التوحید» (رک: جلالی پندری و زینی، ۱۳۸۷: ۵۸) و به جای «حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه»، «حدیقه» و به جای «ترک الاطناب فی شرح الشهاب»، تنها «ترک الاطناب» نوشته‌اند. (رک: همان، ۱۳۸۷: ۵۱) اما در هر حال، به دلیل کوتاهی نام اغلب آثار، این دشواری در تحقیقات ادبی، حداقل در قیاس با دیگر حوزه‌های علمی، چندان نمود نخواهد داشت. تنها راهی که برای از میان برداشتن این مشکل به نظر می‌آید، بردن ارجاعات به پاورقی است. اصولاً یکی از اشکالات عمده ارجاع در داخل متن، جداسازی جملات و عبارات یک متن و ایجاد وقفه و گسست در میان آنها و در نهایت دشوار نمودن پی‌گیری مطالب است. در صورتی که این ارجاعات در پاورقی باشد، تنها کسانی که نیاز دارند، به آنها مراجعه خواهند کرد و دیگر خوانندگان، با خاطری آسوده تنها به مطالعه متن خواهند پرداخت.

تناسب نداشتن طولی ارجاعات درون‌متنی در ارجاع به نام کتاب نیز موجب بی‌تعادلی و بی‌توازی می‌گردد. وقتی منابع ارجاعی لاتین نیز در متن باشد، این دشواری بیشتر به چشم می‌آید؛ به عنوان نمونه، ارجاعات زیر را که از یک مجله علمی - پژوهشی انتخاب شده است، در نظر بگیرید: *Toward a speech act Theory of literature* discourse/7 (هشت کتاب / ۲۱۰) (رک: خسروی شکیب، ۱۳۸۹: ۱۳)

۲-۳-۳ - ناقص بودن مشخصات آثار

اغلب محققان حتی در فهرست منابع نیز از ذکر مشخصات کامل صرف نظر و تنها به ذکر نام کتاب، مثلاً «قرآن کریم» یا «نهج البلاغه»، بسنده می‌کنند. در حالی که حتی در این مورد نیز همانند موارد دیگر، مشخصات کامل از قبیل نام مصحح، مترجم و مانند آن را باید نوشت.

۲-۴ - پیشنهاد

با توجه به این که اشکالات موجود در ارجاع بر اساس نام کتاب، از اشکالات موجود در ارجاع بر اساس نام مؤلف بسیار کمتر است، پیشنهاد می‌شود در مقالات علمی، تمامی ارجاعات بر اساس نام آثار باشد. برای پرهیز از اشکالات موجود در ارجاع به صورت درون‌نوشت، از جمله طولانی بودن ارجاعات در متن و ایجاد گسست و جلوگیری از سرعت و دقت در مطالعه و نیز اشکالات موجود در ارجاع به صورت پی‌نوشت، از جمله، دوری از متن و دور شدن از توجه خواننده، پیشنهاد می‌شود ارجاعات در تمامی مقالات علمی به صورت پانویس و به ترتیب شامل نام اثر، سال انتشار و شماره صفحه یا صفحات باشد؛ به عنوان نمونه:

- آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی، ۱۳۸۹: ۴۳

ترتیب منطقی داده‌ها در فهرست منابع نیز باید به صورت زیر:

- نام خانوادگی مؤلف، نام (سال انتشار) نام اثر، محل چاپ، نام ناشر، نوبت چاپ.

به عنوان نمونه:

- فتوحی، محمود (۱۳۸۹) آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی، تهران، انتشارات سخن، چاپ

پنجم.

در صورتی که برخی از آثار مورد استفاده در مقاله هم‌نام باشند، سال انتشار، آنها را با یکدیگر متفاوت خواهد ساخت؛ اگر به ندرت، سال انتشار آثار نیز یکسان باشد، می‌توانیم آنها را با حروف الفبا از یکدیگر متمایز گردانیم. (رک: بند ۳-۳)

رعایت نکات زیر نیز در ارجاعات، لازم به نظر می‌رسد:

- نام خانوادگی و نام، دقیقاً به همان صورت که در اثر آمده است، ذکر شود و چیزی از آن حذف یا به آن اضافه نگردد.

- ترتیب نقل داده‌ها در پانوشته‌ها، پی‌نوشت‌ها و فهرست منابع کاملاً یکسان باشد.

- توضیحات طولانی، به صورت پی‌نوشت باشد تا ارجاعات موجود در پاورقی را آشفته نگرداند.

- در تمامی ارجاعات، از نشانه‌های نگارشی و علائم اختصاری یکسان استفاده شود.

- اعداد را باید به ترتیب از راست به چپ نوشت.

- رعایت یک‌دستی املائی، بر اساس دستور خط فرهنگستان زبان و ادب فارسی ضروری است.

۳- نتیجه‌گیری

بی‌توجه به درون‌متنی یا برون‌متنی بودن ارجاعات در مقالات ادبی، آنها را می‌توان در دو دسته مورد بررسی قرار داد: ارجاعات مبتنی بر نام مؤلف و ارجاعات مبتنی بر نام اثر. گذشته از اشکالات کلی ارجاعات موجود در مقالات علمی، از جمله نامناسب بودن محل درج آنها، ذکر مشخصات کامل منابع در متن مقاله، ناقص بودن مشخصات در فهرست منابع، تفاوت مشخصات مندرج در مقاله با منبع مورد استفاده، کاربرد نشانه‌های نگارشی متعدد و متفاوت، درج شماره صفحات از چپ به راست، عدم یک‌دستی در ارجاع به نام اثر یا نام مؤلف، نداشتن مطابقت ارجاعات درون‌متنی با ارجاعات پایانی، کاربرد کلمات و نشانه‌های اختصاری متعدد و متفاوت، این اشکالات را در ارجاعاتی که بر اساس نام مؤلف انجام گرفته‌اند می‌توان دید: نامعلوم بودن نام مؤلف، تعدد مؤلفان، تعدد آثار مؤلفان، آوردن «نام خانوادگی» و «نام» به جای «نام خانوادگی»، نامتعارف بودن ذکر نام مؤلف یا صاحب اثر، تشخیص ندادن نام از نام خانوادگی، در آمیختن کنیه، لقب و تخلص با نام و نام خانوادگی، مطابقت نداشتن نام‌های عربی با نام‌های فارسی، ذکر پسوندها، طولانی بودن

برخی نام‌ها، آوردن نام مترجم به جای نام مؤلف، آوردن نام مصحح به جای نام مؤلف، آوردن محل چاپ به جای نام مؤلف و دوگانگی‌های املایی نام‌ها. پاره‌ای از اشکالات موجود در ارجاع بر اساس نام کتاب یا مقاله نیز عبارتند از: وجود آثار هم‌نام، طولانی بودن نام برخی آثار و ناقص بودن مشخصات آثار. از آنجا که اشکالات موجود در ارجاع بر اساس نام اثر، در قیاس با اشکالات موجود در ارجاع بر اساس نام مؤلف بسیار کمتر است، نگارنده آن را - به ترتیبی که در بخش پیشنهاد بدان اشاره گردید - برای مقالات علمی مربوط به رشته زبان و ادبیات فارسی، مناسب‌تر می‌داند.

فهرست منابع:**الف - کتاب‌ها**

- ۱- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۲). **ادب و نگارش**. چاپ دهم، تهران: قطره.
- ۲- ----- (۱۳۹۰). **زبان و نگارش فارسی**. چاپ بیست و نهم، تهران: سمت.
- ۳- سمعی گیلانی. احمد. (۱۳۸۲). **آیین نگارش**. چاپ دهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴- غلامحسین زاد، غلامحسین. (۱۳۹۱). **راهنمای ویرایش**. چاپ نهم، تهران: سمت.
- ۵- فتوحی، محمود. (۱۳۸۹). **آیین نگارش مقاله علمی-پژوهشی**. چاپ پنجم، تهران: سخن.
- ۶- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۲). **راهنمای نگارش و ویرایش**. چاپ بیست و دوم، تهران: به نشر.

ب - مجلات

- ۱- آقابابایی خوزانی، زهرا. (۱۳۸۷). «**بررسی نشانه‌های نامتعارف زیبایی در ادب فارسی**». گوهر گویا، شماره ۵، صص: ۸۵-۱۱۲.
- ۲- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۸). «**روز و ماه تاج‌گذاری چند شهریار ساسانی در شاهنامه**». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۵، صص: ۱-۱۶.
- ۳- ----- (۱۳۸۹). «**کرامیه و شاهنامه**». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، صص: ۸-۱.
- ۴- احمدپور، ایوب. (۱۳۸۸). «**نظام قضایی ایران در عهد باستان**». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۵، صص: ۱۷-۴۰.
- ۵- احمدی دارانی، علی‌اکبر و هراتیان، اکرم. (۱۳۹۰). «**حافظ - نامه**». بوستان ادب، شماره ۸، صص: ۱-۲۴.
- ۶- اسداللهی، خدابخش. (۱۳۸۸). «**اندیشه‌های عرفانی عین‌القضات در موضوع عشق**». پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، صص: ۳۱-۴۴.
- ۷- اقبالی، ابراهیم. (۱۳۸۳). «**مقایسه داستان خسرو و شیرین فردوسی با نظامی**». پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳، صص: ۱۲۵-۱۳۶.
- ۸- اکبری مفاخر، آرش. (۱۳۸۸). «**دیوان درمتون پهلوی**». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۵، صص: ۴۱-۵۴.
- ۹- اکبری، مهناز. (۱۳۹۰). «**سمبلیسم و رهایی از چنبره زمان**». زبان و ادب پارسی (دانشگاه علامه طباطبایی)، شماره ۴۷، صص: ۸۱-۱۰۶.

- ۱۰- امیری خراسانی، احمد و صرّفی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «**رقیب حصری**». پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲، صص: ۳۲-۵۴.
- ۱۱- امینی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «**آستانه انتخاب، مفهومی ضروری در بررسی تحولات ادبی و سبک‌شناسی**». بوستان ادب، شماره ۲، صص: ۲۱-۴۶.
- ۱۲- باباصفری، علی اصغر و نصری، گلپر. (۱۳۸۸). «**سیف اسفرنگی و اثرپذیری وی از خاقانی**». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۶۶، صص: ۱۹-۴۳.
- ۱۳- بارانی، محمد و الهامی، فاطمه. (۱۳۸۹). «**عشق به یک سرنمون ازلی (حضرت علی (ع) در مسقط طغرا**». پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۱۵، صص: ۵-۲۶.
- ۱۴- باقری خلیلی، علی اکبر. (۱۳۸۱). «**بررسی پاره‌ای از موضوعات و ابهامات طبی در شعر کلاسیک**». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱ و ۲، صص: ۱۴۹-۱۷۰.
- ۱۵- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). «**جادوی اندیشه و زبان ادبی رودکی**». پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲، صص: ۳۵-۴۴.
- ۱۶- بهرامی احمدی، حمید. (۱۳۸۸). «**مقدمه‌ای کوتاه بر مهاجرهای اعراب به سرزمین ایران و دیگر عشایر استان کرمان**». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۵، صص: ۵۵-۷۴.
- ۱۷- بهمنی، غلامرضا. (۱۳۸۱). «**اشاره‌ای به تحلیل نمادین قصه یوسف (ع) از نظر مولوی**». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱ و ۲، صص: ۱۹۱-۲۱۴.
- ۱۸- بهنام‌فر، محمد و خلیلی، محمود. (۱۳۸۹). «**درد دین و دین‌ورزی عاشقانه از دیدگاه سنایی**». پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۱۵، صص: ۲۷-۵۲.
- ۱۹- پارسا، سیداحمد. (۱۳۸۸). «**هنجارگریزی‌های خاقانی در ردیف قصاید**». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۶۶، صص: ۷۷-۱۰۲.
- ۲۰- _____ و حسین‌پناهی، فردین. (۱۳۹۰). «**استعاره‌های ترکیبی، گونه‌ای نویافته از استعاره در سروده‌های خاقانی شروانی**». بوستان ادب، شماره ۸، صص: ۲۵-۵۰.
- ۲۱- پارسانسب، محمد. (۱۳۸۷). «**آرزو در قصه‌های صوفیانه**». مطالعات عرفانی، شماره ۷، صص: ۲۵-۵۲.

- ۲۲- پاینده، حسین. (۱۳۸۷). «نسبی‌گرایی در نقد ادبی جدید». فصلنامه نقد ادبی (دانشگاه تربیت مدرس)، شماره ۱، صص: ۷۳-۹۰.
- ۲۳- پناهی، مهین. (۱۳۸۴). «از دوستی تا اخوت، از اخوت تا وحدت»، قندپارسی، شماره ۳۱، صص: ۱۰۱-۱۱۴.
- ۲۴- پورخالقی چترودی، مهدخت و محمودی، محمدعلی. (۱۳۸۹). «بازتاب اسطوره‌ها و باورهای کهن پیرامون آب در شعر خاقانی». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، صص: ۹-۲۸.
- ۲۵- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۷). «بلاغت مخاطب و گفتگوی با متن». فصلنامه نقد ادبی (دانشگاه تربیت مدرس)، شماره ۱، صص: ۱۱-۳۸.
- ۲۶- تقوی، محمد. (۱۳۸۷). «بحشی در نسبت تجربه‌های دینی، عرفانی و هنری». گوهرگویا، شماره ۵، صص: ۱۱۳-۱۳۴.
- ۲۷- توسلی، محمد مهدی. (۱۳۸۷). «معرفی سه چهره فرهنگی شهر کراچی». فصلنامه مطالعات شبه قاره، شماره ۱، صص: ۳۹-۵۲.
- ۲۸- جبری، سوسن. (۱۳۹۰). «حکایت و جهان‌بینی صوفیانه». بوستان ادب، شماره ۸، صص: ۶۹-۹۸.
- ۲۹- جعفری قریه‌علی، حمید. (۱۳۸۸). «سنجش بهمن‌نامه با شاهنامه». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۵، صص: ۱۹۷-۲۲۲.
- ۳۰- ——— و زارع منصوری، زینب. (۱۳۸۹). «سنجش ویژگی‌های حماسی شهریارنامه با بهمن‌نامه». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، صص: ۲۹-۵۲.
- ۳۱- جلالی پندری، یدالله و زینی، مه‌ری. (۱۳۸۷). «فنا‌ی عارفانه، بقای جاودانه». مطالعات عرفانی، شماره ۷، صص: ۵۳-۸۹.
- ۳۲- حسام‌پور، سعید و جباره ناصرو، عظیم. (۱۳۸۹). «بانوگشوب در حماسه‌های ملی». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، صص: ۵۳-۷۴.
- ۳۳- حمیدیان، سعید و جلالی، محمدامیر. (۱۳۹۰). «عشق بی‌زوال: سعدی و مجنون از دل‌باختگی». زبان و ادب پارسی (دانشگاه علامه طباطبایی)، شماره ۳۳-۶۴، صص:
- ۳۴- خسروی شکیب، محمد. (۱۳۸۸). «وجه غالب و بازی ساختار». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۶۶، صص: ۱۰۳-۱۱۸.

- ۳۵- _____ (۱۳۸۹). «فرآیند معنایابی در سطوح زبانی شعر معاصر». مطالعات زبانی - بلاغی، شماره ۲، صص: ۷-۲۲.
- ۳۶- خسروی، اشرف و موسوی، سید کاظم. (۱۳۸۷). «خردورزی و دین‌داری، اساس هویت ایرانی در شاهنامه». کاوش‌نامه، شماره ۱۶، صص: ۹۹-۱۲۸.
- ۳۷- دزفولیان، کاظم و صحرائی، قاسم. ۱۳۸۹. آمیختگی حکایت‌های جمشید و سلیمان و انعکاس آن در ادبیات فارسی. مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، صص: ۷۵-۹۲.
- ۳۸- دهقانان، جواد و حسام‌پور، سعید. (۱۳۹۰). «نگاهی ساختارگرایانه به داستان کاووس». بوستان ادب، شماره ۸، صص: ۹۹-۱۲۲.
- ۳۹- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۸). «مقایسه چهار روایت لیلی و مجنون: نظامی، امیر خسرو، جامی و مکتبی». پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، صص: ۷۱-۹۴.
- ۴۰- رسمی، عاتکه. (۱۳۸۹). «نظریه تذکر در آثار افلاطون و انعکاس آن در مثنوی مولانا». فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تخصصی مولوی‌پژوهی). شماره ۸، صص: ۱۱۳-۱۲۷.
- ۴۱- روحانی، مسعود. (۱۳۹۰). «بررسی کارکردهای تکرار در شعر معاصر». بوستان ادب، شماره ۸، صص: ۱۴۵-۱۶۸.
- ۴۲- _____ و عنایتی قادیکلایی، محمد. (۱۳۸۸). «بررسی ریخت‌شناسانه داستان بیژن و منیژه شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ۶۶، صص: ۱۱۹-۱۴۴.
- ۴۳- رویانی، وحید. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر شاهنامه بر سام‌نامه». پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، شماره ۱۸، صص: ۱۳۷-۱۶۴.
- ۴۴- شعاعی، یونس و مدرسی، فاطمه. (۱۳۹۰). «تجلی مضامین اعتقادی در شعر طاهره صفارزاده». پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، شماره ۱۸، صص: ۱-۱۸.
- ۴۵- شیری، قهرمان. (۱۳۸۹). «نثر فنی: دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری». مطالعات زبانی - بلاغی، شماره ۲، صص: ۵۱-۸۰.
- ۴۶- صفری، جهانگیر و زارعی، فخری. (۱۳۸۹). «بررسی عنصر رنگ در دیوان خاقانی». مطالعات زبانی - بلاغی، شماره ۲، صص: ۸۱-۱۰۸.

- ۴۷- طاهری، محمد. (۱۳۹۰). «نظریه میل محاکاتی رنه ژرار و تبیین آن در چند داستان شاهنامه». ادب پژوهی (فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان)، شماره ۱۷، صص: ۹-۳۲.
- ۴۸- _____ و سپهری عسکر، معصومه. (۱۳۹۰). «بررسی شیوه به کارگیری جریان سیال ذهن در رمان سنگ صبور، اثر صادق چوبک». بوستان ادب، شماره ۸، صص: ۱۶۹-۱۹۰.
- ۴۹- علوی، فریده و علی اکبرپور، رضا. (۱۳۹۰). «حضور اسطوره‌های ادبی خارجی در شعر معاصر فارسی». پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۶۱، صص: ۴۱-۶۰.
- ۵۰- غریب حسینی، زهرا و بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۷). «کاربرد حسن تعلیل در قصاید انوری». کاوش نامه، شماره ۱۶، صص: ۶۵-۹۷.
- ۵۱- فاتحی، ابوالقاسم و اخلاصی، ابراهیم. (۱۳۹۰). «هویت براساس داستان مارگیر مولوی». پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، شماره ۱۸، صص: ۱۵۵-۱۸۶.
- ۵۲- فاطمه حسینی، سیده بلقیس. (۱۳۸۴). «نگاهی به بحر المعانی، سیدمحمد حسینی». قند پارسی، شماره ۳۱، صص: ۳۱-۴۴.
- ۵۳- فرشچیان، رضا. (۱۳۸۶). «نخستین شیعیان در ایران». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۲، صص: ۷۵-۸۴.
- ۵۴- فرضی شوب، منیره و زرقانی، سیدمهدی. (۱۳۸۷). «مفهوم تنزیه از دیدگاه غزالی و سنایی». کاوش نامه، شماره ۱۶، صص: ۱۶۳-۱۹۸.
- ۵۵- فروزنده، مسعود. (۱۳۸۷). «بررسی روایت، داستان و پیرنگ در گلدسته‌ها و فلک جلال آل احمد». گوهر گویا، شماره ۵، صص: ۱۳۵-۱۵۰.
- ۵۶- فلاح، غلامعلی. (۱۳۸۷). «جایگاه فن مناظره در شاهنامه فردوسی». گوهر گویا، شماره ۵، صص: ۱۵۱-۱۶۴.
- ۵۷- _____، مرتضی، قطب‌الدین شیرازی. (۱۳۸۸). «توجیه‌گر نظریه سلطنت با خلافت». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۵، صص: ۱۷۷-۱۹۸.
- ۵۸- فولادی، علیرضا. (۱۳۸۳). «درآمدی به معرفت‌شناسی جدید عرفان». پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳، صص: ۴۵-۵۲.

- ۵۹- کرمی، محمدحسین و حسام پور، سعید. (۱۳۸۳). «واج آرایی و تکرار در شعر خاقانی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳، صص: ۱۵۹-۱۷۶.
- ۶۰- کمیلی، مختار. (۱۳۸۷). «خوابنامه نویسی در زبان و ادب فارسی». گوهر گویا، شماره ۸، صص: ۱۵۲-۱۷۳.
- ۶۱- کیخای فرزانه، احمدرضا. (۱۳۸۹). «عوامل مشترک شادمانگی در رباعیات خیام، مولوی و شرفنامه نظامی». پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۱۵، صص: ۱۱۹-۱۴۴.
- ۶۲- مؤذنی، علی محمد. (۱۳۸۴). «زبان فارسی، زبان همدلی». قند پارسی، شماره ۳۱، صص: ۶۱-۸۰.
- ۶۳- _____ و ضیغمی، امیر. (۱۳۹۰). «تأثیر بابافغانی بر جریان‌های شعری عصر صفوی». پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، شماره ۱۸، صص: ۱۹-۴۲.
- ۶۴- مالمیر، تیمور. (۱۳۸۷). «ساختار فنی شاهنامه». کاوش‌نامه، شماره ۱۶، صص: ۱۹۹-۲۲۴.
- ۶۵- ماهیار، عباس. (۱۳۸۸). «شعشعه عرش، فردوسی». زبان و ادبیات فارسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، شماره ۶۶، صص: ۷-۱۸.
- ۶۶- محبتی، مهدی. (۱۳۸۳). «اهمیت جاحظ و دیدگاه‌های او در نقد و ادب اسلامی - ایرانی». پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳، صص: ۷-۲۵.
- ۶۸- محمدحسین زاده، عبدالرضا و امیری خراسانی، احمد. (۱۳۸۶). «اصالت ایمان اسلامی ایرانیان در منابع دینی اسلام». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۲، صص: ۱۲۱-۱۳۲.
- ۶۹- محمدی، لیلا. (۱۳۹۰). «اشتراکات و تمایزات شاهنامه شکوهمند و مهیپارت بر بستر جهان معنوی». نامه پارسی، شماره ۱ و ۲، صص: ۸۷-۱۱۳.
- ۷۰- محمدیان، عباس. (۱۳۸۸). «شفیعی کدکنی و شکل‌گرایی». بوستان ادب، شماره ۲، صص: ۱۰۳-۱۳۱.
- ۷۱- مدرس زاده، عبدالرضا. (۱۳۸۴). «کار چراغ خلوتیان در شعر حافظ». پژوهش‌های ادبی، شماره ۸، صص: ۷۵-۹۴.
- ۷۲- مدرسی، فاطمه. (۱۳۸۸). «تأملی در زبان ادبی رودکی». پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲، صص: ۱-۱۸.

- ۷۳- مرتضایی، سیدجواد. (۱۳۸۱). «تکرار قافیه در شعر حافظ». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱ و ۲، صص: ۳۳-۵۲.
- ۷۳- مشرف، مریم. (۱۳۸۷). «نظریه تعلیمی ناصر خسرو در مثنوی روشنایی نامه». گوهر گویا، شماره ۵، صص: ۶۱-۸۴.
- ۷۴- مظفری، علیرضا. (۱۳۸۹). «مولانا، عدم و اصالت ماهیت». فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تخصصی مولوی پژوهی)، شماره ۸، صص: ۲۷-۴.
- ۷۵- مظفریان، فرزانه. (۱۳۸۴). «شاعران، وارثان آب و روشنایی و کهن‌الگوی سترگ آسمان». کاوش‌نامه، شماره ۱۰، صص: ۳۷-۶۲.
- ۷۶- معین‌الدینی، فاطمه و مهرابی‌زاده هنرمند، مانیا. (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی نقش اسطوره در ادبیات فارسی و در طرح و نقش فرش ایرانی». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۵، صص: ۲۳۹-۲۵۸.
- ۷۷- مفتی، حمیرا. (۱۳۸۶). «مقایسه داستان بیژن و منیژه در شاهنامه فردوسی و شاهنامه کردی». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۲، صص: ۱۴۹-۱۶۹.
- ۷۸- میرقادر، سیدفضل‌الله. (۱۳۸۴). «بررسی مقایسه‌ای توجه به اراده ملت‌ها در تعیین سرنوشت در شعر اقبال و شای». پژوهش‌های ادبی، شماره ۸، صص: ۹۵-۱۱۶.
- ۷۹- نجاریان، محمدرضا و ایران‌منش، مریم. (۱۳۸۸). «نقد و تحلیل ابیات عربی در تاریخ بیهقی». پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱، صص: ۹۳-۱۱۲.
- ۸۰- نجمی، شمس‌الدین و مختاری، اشکان. (۱۳۸۹). «شرحی بر انحطاط شهر استخر در بدو ورود اسلام به سرزمین ایران». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، صص: ۳۰۷-۳۲۴.
- ۸۱- نصر اصفهانی، محمدرضا. (۱۳۸۷). «مقایسه تحلیلی درونمایه و شخصیت در رمان سرگیوس پیر و روایت ابراهیم ادهم». گوهر گویا، شماره ۵، صص: ۱۸۹-۲۱۰.
- ۸۲- _____ و رخشنده‌مند، علی‌سینا. (۱۳۸۸). «رودکی و عمر خیام»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲، صص: ۶۷-۸۸.
- ۸۳- نصیری، محمدرضا. (۱۳۸۷). «لزوم تحقیق در حوزه اصطلاحات تاریخی». گوهر گویا، شماره ۵، صص: ۲۵-۳۸.

- ۸۴- نوروزی، جهان‌بخش. (۱۳۸۸). «چه کسی غزلیات سعدی را به چهار دسته تقسیم نموده و به چه علت؟». بوستان ادب، شماره ۲، صص: ۱۵۷-۱۷۸.
- ۸۵- نیکداراصل، محمدحسین. (۱۳۸۸). «تساهل و تسامح در دیوان حافظ». بوستان ادب، شماره ۲، صص: ۱۷۹-۳۲۰۶.
- ۸۶- واثق عباسی، عبدالله. (۱۳۹۰). «سعدی شیرازی و سعدی هند»، بوستان ادب، شماره ۸، صص: ۱۶۹-۲۱۶.
- ۸۷- واحد دوست، مهوش. (۱۳۸۹). «هم‌نهادی در اشعار حافظ و امینسکو». پژوهش‌نامه ادب غنایی، شماره ۱۵، صص: ۱۴۵-۱۷۰.
- ۸۸- واشقانی فراهانی، ابراهیم. (۱۳۸۸). «دیو در اساطیر ایران باستان». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۵، صص: ۲۵۹-۲۷۴.
- ۸۹- _____. (۱۳۸۹). «آسمان در باورهای اساطیری ایرانیان». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، صص: ۳۳۱-۳۵۲.
- ۹۰- هاشمیان، لیلا و سهرابی، نصیرا. (۱۳۸۸). «دینار سیاهداری یا سپاهداری (تأملی بر یکی از واژه‌های غریب در تاریخ بیهقی». مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۵، صص: ۲۷۵-۲۸۸.
- ۹۱- _____ و سنچولی، احمد. (۱۳۹۰). «نماد و خاستگاه آن در شعر نیما یوشیج». پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، شماره ۱۸، صص: